

# مست بهر مهر

یک نثر پدید آورنده شعر در سایه سار ولایت

سگ سبیل، اره ماهی، پیل پیکر، قلوه سنگ، گردن گلابی، لاله رخ، سنگ دل، هلال ابرو، ماه منظر، مویرگ، دریادل، گل اندام، و کمان ابرو. این‌ها نمونه‌های فعال چنین ساخت‌هایی هستند. این در حالی است که ساخت‌های متروکی نیز از این دست داریم، مانند گاوچهر و سیم‌دندان:

سرش را بدین گزوه‌ی گاوچهر / بگویم، نه بخشایش آرم نه مهر  
همه دختران شاد و خندان شدند / گشاده رخ و سیم‌دندان شدند (شاهنامه)  
یا هفت ترکیب بدیع زیر از منوچهری در وصف اسب:

## در برخی موارد، صورت‌های تشبیهی می‌توانند مقلوب یا غیرمقلوب باشند و قاعده‌ی ویژه‌ای بر ترتیب آن‌ها ناظر نیست

گور ساق و شیر زهره، یوز تاز و غرم تک  
پیل گام و کرک سینه، بیر سار و گرگ پوی

در همین جا، شایسته یادآوری است که در برخی موارد، صورت‌های تشبیهی می‌توانند مقلوب یا غیرمقلوب باشند و قاعده‌ی ویژه‌ای بر ترتیب آن‌ها ناظر نیست. نمونه‌ی چنین شرایطی در ترکیب کمان ابرو و ابرو کمان دیده می‌شود: عدو با جان حافظ آن نکردی / که تیر چشم آن ابرو کمان کرد

مرا چشمی است خون افشان / زدست آن کمان ابرو  
جهان بس فتنه خواهد دید / از آن چشم و از آن ابرو

## سخن آخر

آنچه در این مقاله آمد، بخشی از توانایی زبان فارسی در ساخت ترکیب‌های نحوی بود. چنان‌که دیده شد، زبان فارسی چه در سده‌های گذشته و چه در روزگار ما، گرایش قابل توجهی با ساخت‌های ترکیبی با روابط نحوی دارد و برخی از این روابط (مانند رابطه‌ی وصفی یا اضافی) از نمود بیش‌تری هم برخوردارند. دانش در مورد این رویکرد زبانی، می‌تواند راهگشای ما در ساخت واژه‌های جدید با درجه‌ی بالایی از اطمینان به پذیرش آن‌ها توسط فارسی‌زبانان باشد.

## منابع

زریاب‌خوئی، عباس، آینه‌ی جام، شرح دشواری‌های دیوان حافظ، تهران، علمی، ۱۳۶۸ • صادقی، علی‌اشرف، کلمات مرکب ساخته‌شده با ستاک فعل، دستور ۱، ۱۳۸۳ • همایونفرخ، عبدالرحیم، دستور جامع زبان فارسی، تهران، علمی، ۱۳۳۸ • Bauer, L. (۱۹۸۳). *English Word-Formation*. Cambridge: Cambridge University Press. • Crystal, D. (۱۹۹۱). *A Dictionary of Linguistics and Phonetics Morphology*. Oxford: basil Blackwell. Jensen, J. (۱۹۹۰). *Morphology*. Amsterdam: John Benjamins. Katamba, F. (۱۹۹۱). *Morphology*. London: Macmillan Press Ltd. Matthews, P. H. (۱۹۹۱). *Morphology*. Cambridge: Cambridge University Press. Spencer, A. (۱۹۹۱). *Morphological Theory*. Oxford and Cambridge: Basil Blackwell. Trask, R. L. (۱۹۹۳). *A Dictionary of Grammatical Terms in Linguistics*. London and New York: Routledge

نویسنده، فخره‌ای از شعر آزاد «در سایه سار نخل ولایت»، سروده‌ی سیدعلی موسوی گرماردی (کتاب ادبیات دوره‌ی متوسطه) را به اختصار بررسی کرده است.

## کلواژها

علی‌علیه‌السلام، سایه سار نخل ولایت، باده‌ی مهر

مصراع «مگر از کدام باده‌ی مهر مست بودی که با تازیانه‌ی هشتاد زخم به خود حد زدی»، یکی از زیباترین چشم‌اندازهای شعر در سایه‌سار نخل ولایت است، که سؤال و جواب را درهم پیچیده، آن هم نه یک سؤال بلکه دو سؤال را: مگر از کدام باده‌ی مهر: ۱. مگر از باده مست بودی. ۲. از کدام باده‌ی مهر مست بودی. هر دو سؤال ایجابی هستند و نیازی به جواب ندارند و پاسخ را در بطن خود دارند.

### ۱. مگر از باده مست بودی؟

کلمه‌ی مگر «مفید» تأکید است<sup>۱</sup> یعنی حتماً مست بودی که بر خود حد زدی. شاعر برای زخم‌های پیکر علی (ع) دلیل شاعرانه می‌آورد. در این مورد تأکید و تکیه روی عبارت‌های «مست» و «حد زدی» قرار می‌گیرد.

### ۲. از کدام باده مست بودی؟

سؤال از کدام باده برای تعظیم باده است.<sup>۲</sup> این باده‌ی مهر خداوندی است که قدرتی را به وجود می‌آورد که به اختیار خود هشتاد ضربه را مثل تازیانه به خود می‌زند. در این صورت تأکید و تکیه روی کلمه‌های «مهر» و «زخم» قرار می‌گیرد. آدر مجموع باید گفت این سؤالات بلاغی زیبا و پاسخ‌های زیباتر در بطن آن به همراه آرایه‌های بیانی<sup>۳</sup>، و گزینش فخیم واژگان و چینش هنرمندانه آن و دیگر نگارگری‌های آشکار و پنهان این تکه شعر با شکوه تمام می‌درخشد.

## پژوهش

۱. نمونه‌های دیگر: روی تو مگر آینه‌ی لطف الهی است / حقا که چنین است و در این روی و ریا نیست (حافظ) // مگر که لاله بدانست بی وفایی دهر / که تابزد و بشد جام می ز کف نهاد (حافظ) // زهره‌سازی خوش نمی‌سازد مگر عودش بسوخت / اکس ندارد ذوق مستی می‌گساران را چه شد؟ (حافظ) ۲. جملات پرسشی با هدف تعظیم، مثال: چه مستی است ندانم که رو به ما آورد؟ / که بود ساقی و این باده از کجا آورد؟ (نقل از سیروس شمیسا، معانی، نشر میترا، چ ۴، زمستان ۷۵: ص ۱۱۵) ۳. اشاره به موارد تکیه فقط برای توضیح بیش‌تر است و رعایت تکیه در یک جمله‌ی مستقل مرکب در چهار کلمه شاید عملاً امکان‌پذیر و بارز نباشد. ۴. تشبیه، تلمیح و حسن تعلیل